

# آشنایی با نهج البلاغه

امیر شیرزاد

## عظمت و جامعیت نهج البلاغه

پیش از این در راستای آشنایی با نهج البلاغه به شخصیت ممتاز علی علیه السلام اشاره شد. اینک شایسته است به مباحث زیر پرداخته شود: وجوه اعجاب نهج البلاغه، دامنه نفوذ و تأثیر نهج البلاغه و اهم موضوعات آن.

### وجوه اعجاب نهج البلاغه

اعجاب نهج البلاغه - به طور عمده از دو جهت است: نخست از نظر اوج و عظمت و بلندی سخن و دوم از نظر جامعیت و چند جانبه بودن آن. عظمت و علو سخنان امام (ع) از دو جنبه قابل توجه است یکی از جهت فصاحت و بلاغت و آهنگ و موسیقی آن و دوم از حیث حقایق و معانی و محتوای کلام

علامه بحر العلوم به همین وجوه اشارت دارد و می فرماید: سخنان علی علیه السلام مافوق سخن مخلوق و پایین تر از سخن خدای خالق است و بعد از پیامبر (ص) به آن «زیبایی و رسایی و شیوایی و طراوت و با آن الفاظ اندک و معانی بسیار جز از آن پیشوای بزرگ از هیچ انسان دیگری دیده و شنیده نشده است» اما در اینجا در حد ضرورت به این جنبه ها می پردازیم.

### فصاحت و بلاغت نهج البلاغه

همة عالمان علم بلاغت و خطیبان و سخنوران توانا در طول تاریخ به عظمت دست نیافتنی کلام علی (ع) اعتراف نموده اند

و چه بسیار از آنان، تصریح کرده اند که خطابه و کتابت را از امیر بیان علی علیه السلام فرا گرفته اند زیرا «او امام فصیحان و سرور بلیغان است و مردم از او خطابه و کتابت را فرا گرفته اند»<sup>۱</sup> عبد الحمید بن یحیی عامری (مقتول ۱۳۲ هـ. ق) که درباره او گفته اند هنر کتابت به او آغاز گردید، گفته است «هفتاد خطبه از خطبه های علی (ع) را حفظ کردم و از آن پس، ذهن من جوشیدن آغاز کرد»<sup>۲</sup>

ابن نباته از خطیبان نامی (متوفی ۳۷۴ هـ. ق) گفته است: «گنجی از خطابه را حفظ کردم که انفاق آن موجب وسعت و کثرت آن گردید و آن صد فصل از مواعظ علی بن ابیطالب است»<sup>۳</sup>

ابو عثمان جاحظ (متوفی ۲۵۵ هـ. ق) از فصیحان نام آور، در پیشگاه سخن امام علی علیه السلام اظهار عجز کرده و می گوید:

«بعد از قرآن و سخنان پیامبر هر کلام و خطبه و مقاله ای را که خواندم و شنیدم توانستم با آن رقابت کنم و بهتر از آن یا مانندش را بیاورم مگر کلمات امیر المؤمنین علی (ع) که هر چه کوشیدم توانایی رقابت با آن را در خود نیافتم»<sup>۴</sup>

ابن ابی الحدید (متوفی ۶۵۶ هـ. ق) شارح نهج البلاغه در جلد چهارم در شرح نامه امام به عبدالله بن عباس می گوید: «فصاحت را ببین که چگونه افسار خود را به دست این مرد داده و مهار خود را به او سپرده است. نظم عجیب الفاظ را تماشا کن! یکی پس از دیگری می آیند و در اختیار او قرار می گیرند مانند

چشمه ای که خود بخورد و بدون زحمت از زمین بجوشد. <sup>۶</sup>  
 استاد شهید مطهری در کتاب سیری در نهج البلاغه از استاد  
 محمد جواد مغنیه دانشمند معاصر نقل می کند که در جلسه ای  
 که به افتخار شکیب ارسلان ملقب به امیر بیان از نویسندگان  
 زبردست عرب در عصر حاضر، در مصر تشکیل شد یکی از  
 حضار به پشت تریبون می رود و ضمن سخنان خود می گوید: دو  
 نفر در تاریخ اسلام پیدا شده اند که به حق شایسته اند «امیر سخن»  
 نامیده شوند یکی علی بن ابی طالب و دیگری شکیب ارسلان.  
 شکیب ارسلان با ناراحتی بر می خیزد و پشت تریبون قرار  
 می گیرد و از دوستش که چنین مقایسه ای به عمل آورده گله  
 می کند و می گوید: «من کجا و علی بن ابیطالب کجا! من بند  
 کفش علی هم به حساب نمی آیم!»<sup>۷</sup>

آری فصاحت و بلاغت کلام علی (ع) چون خورشید تابان  
 چنان آشکار است که منکر آن جز به رسوایی خویش نکوشیده  
 است. از همین رو هنگامی که محقق بن ابی محقق به نزد معاویه  
 آمد و برای خوشایند او گفت: «از نزد کندی زبان ترین مردم به نزد  
 تو آمدم، معاویه جواب داد: چه می گویی؟! چگونه او کند  
 زبان ترین مردم است در حالیکه بخدا سوگند کسی جز او  
 فصاحت را به قریش نیاموخته است»<sup>۸</sup>

حق، همان است که سید رضی گرد آورنده نهج البلاغه در  
 مقدمه خویش بدان تصریح کرده است و آن اینکه فصاحت با  
 کلام علی سنجیده می شود و کلام او آرایه فصاحت است: <sup>۹</sup>  
 همچنین درباره زیبایی عبارات نهج البلاغه از حیث ترکیب  
 لفظی و سبک ادبی امتیازاتی بر شمرده شده است که از آن جمله  
 است:

- ۱- در انواع کلمات: مفرد، جمع، مذکر، مؤنث، حقیقت  
 و مجاز سرمایه غنی برای فرهنگ الفاظ عربی است؛
- ۲- مجازها و کنایه ها در قالب های جالب و نویسی آمده  
 است؛
- ۳- ایجاز و اطناب در جای متناسب خود به کار رفته است و  
 ما این مطلب را در خطبه ها و نامه های طولانی و گاه متوسط یا  
 کوتاه آن حضرت به روشنی مشاهده می کنیم؛
- ۴- محسنات و نوآوری های لفظی از جناس تا ترصیع و قلب  
 و عکس؛<sup>۱۰</sup>

۵- آهنگ طبیعی و جالب عبارات که اهل فن به خوبی آن را  
 احساس می کنند و حتی شنوندگان هنگامی که از سخنوران  
 مذهبی خطبه های نهج البلاغه را می شنوند حال و هیجانی به  
 آنها دست می دهد؛<sup>۱۱</sup>

آری نهج البلاغه شاهکار ادبی و مشحون از صنایع لفظی و  
 زیورهای کلامی است مخصوصاً صنعت سجع که در سراسر آن  
 مشاهده می شود.

دکتر شهیدی در مقدمه خود بر ترجمه نهج البلاغه می گوید:  
 «امیر مؤمنان (ع) به سجع گویی شناخته شده بود، هنگامی که  
 زینب کبری در پاسخ پسر زیاد گفت:

\* اعجاب نهج البلاغه - به طور عمده از دو جهت  
 نخست از نظر اوج و عظمت و بلندی سخن و دوم از

\* نهج البلاغه شاهکار ادبی و مشحون از صنایع  
 سراسر آن مشاهده می شود.

\* به گفته ابن ابی الحدید علم الهی که اشرف علوم ا

\* حقیقت آن است که رمز و راز چند بعدی بودن

\* این کلام گاه آنچنان تاثیری بر جانهای مهیا و آه  
 کند!

«مهرت ما را کشتی، از خویشانم کسی را نهشتی، نهال ما را  
 شکستی. ریشه ما را از هم گستی. اگر درمان تو این است  
 آری چنین است»<sup>۱۲</sup>  
 پسر زیاد گفت: «سخن به سجع می گویند. پدرش نیز  
 سخنان مسجع می گفت.»<sup>۱۳</sup>  
 باید افزود که فصاحت و بلاغت و سجع و وزن بی مانند  
 کلام علی علیه السلام، هرگز مقصود اصلی گوینده آن نبوده  
 است. هدف اساسی امام هدایت و رهبری، بشارت و انداز،  
 تبه و تذکر مردم بوده و از این رو در مناسبت های گوناگون از  
 جمعه و جماعت گرفته تا هنگام سیح مردم برای جهاد و یا در  
 متن کارزار و درگیری خونین و یا در پاسخ به پرسش کسی و یا ...  
 و نیز بدون هیچگونه ممارست و سابقه اندیشه ای، ایراد شده  
 است. واضح است که ارزش ادبی چنین گفتارهایی در اینگونه  
 حالات و مواقع، مضاعف خواهد بود.

### عظمت محتوایی نهج البلاغه

چه بسا سخنی از نظر زیبایی های لفظی و فنون ادبی اثری  
 ممتاز و برجسته شناخته شود ولی از جهت مضامین و محتویات  
 سخت فقیر و بی ارزش باشد. طبعاً این گونه آثار جز از جنبه  
 بلاغی و ادبی ارزش اعتباری نخواهند داشت و کاربرد آنها جز  
 برای «بزم آرائی» و «مجلس نمایی» نخواهد بود.

هفت قصیده معروف به «معلقات سبع» که قبل از ظهور  
 اسلام سروده شده و به دلیل فصاحت و بلاغت آنها در خانه کعبه  
 آویخته شده بود، از این دست است. به مضامین آنها بنگرید  
 آیا عمدتاً چیزی جز، «شتر و صحرا»، «باد و طوفان»، «آسمان  
 و زمین»، «قتل و غارت» و «عشق و شهوت» و معانی ای از این

سؤال یا زخم، شماره ۴۰

و چند جانبه بودن آن.

برهای کلامی است مخصوصاً صنعت سجع که در

نتباس شده و از او آغاز و به او به انجام رسیده است.

امعیت وجودی علی (ع) پر می گردد.

بسیار مخاطب، از شدت هیبت و عظمت آن، قالب تهی

دست، در آنها می یابید؟! چرا؟

دلیل آن واضح است: شاعر، اندیشه و معرفتی فراتر از این امور نداشته است!

اما نهج البلاغه در عین برخورداری از فصاحت و بلاغت بی ماندش از حیث مضامین و محتوا نیز بر اوج قلل رفیع معارف الهی دست یازیده است. زیرا گوینده آن از سالهای نخست کودکی در دامان رسول خدا پرورش یافت، آن هنگام که قریش به قحطی مبتلا شد و رسول خدا برای مساعدت به ابوطالب که مردی عیالوار بود به نزد وی آمد و با رضایت او، علی را که شش سال بیش نداشت، به همراه خود برد و تحت کفالت خود گرفت و آنگاه فرمود:

«همان را برگزیدم که خدا او را برای من برگزید، یعنی علی را»

و بدین سان علی (ع) از شش سالگی در کنار رسول خدا بزرگ شد و تحت تربیت او قرار گرفت. او از همان هنگام خدا را پرستش می کرد و با حقایق آشنا می گشت.

علی علیه السلام از همان دوران کودکی تا ظهور اسلام و پس از آن همیشه و همه جا تا رحلت پیامبر اسلام همچون سایه ای در پی پیامبر بود و آخرین فردی بود که از پیغمبر (ص) جدا شد ابن ابی الحدید در ذیل خطبه ۲۰۳ به موقعیت استثنایی علی (ع) در نزد پیامبر اشاره می کند و می گوید:

«امیر المؤمنین (ع) با پیامبر (ص) خلوتی داشت که هیچیک از صحابه نداشته اند. احدی نسبت به آنچه بین پیامبر و علی می گذشت آگاهی نداشت. علی (ع) از پیامبر اسلام در زمینه معانی قرآن و احادیث نبوی بسیار پرسش می کرد و هنگامی که سؤال نمی کرد پیامبر آغاز به تعلیم می نمود و احدی از صحابه

اینگونه نبود.»

به این ترتیب علی علیه السلام کاملترین انسان تربیت یافته در دامان وحی و نبوت بود که سینه ای سرشار از علوم و حقایق داشت. از همین رو آن حضرت در خطاب به کمیل در حالیکه به سینه خود اشاره می کرد، فرمود: «ها ان ههنا لعلماً جملاً لواصلت له حَمَلَةٌ» بدان که در این سینه انبوهی از علم است: اگر فراگیری برای آن می یافتم!

موقعیت ممتاز علی (ع) در زمینه علوم الهی چنان است که به گفته ابن ابی الحدید، علم الهی که اشرف علوم است از کلام او اقتباس شده و از او آغاز و به او به انجام رسیده است.<sup>۱۵</sup> علامه طباطبایی در کتاب «علی و فلسفه الهی» به این حقیقت اینگونه اشاره می فرماید:

«اصولاً از آنچه در مورد معارف الهی از اصحاب پیامبر برای ما باقی مانده چیزی نیست جز یک سلسله اخبار در زمینه تجسیم و تشبیه و یا احیاناً تنزیه باری تعالی. پاره ای نیز شامل معلومات بسیار سطحی و ساده و عوامانه است در حالیکه تعداد و شماره صحابه ای که ترجمه و شرح آنان در کتب تراجم و رجال آمده بالغ بر دوازده هزار نفر می باشد و مسلمانان هم در نقل حدیث و ضبط اخبار ایشان کوتاهی و قصور نکرده اند مگر سخنان امام علی بن ابی طالب که از معارف الهی می جوشد و بر حیرت و شگفتی عاشقان فلسفه الهی می افزاید و افکار والای جویندگان حقیقت را در اقیانوس بیکران الوهیت به منتهای اوج و ترقی می رساند تا آنجا که همگی خسته و کوفته از پیشرفت بیشتر باز می مانند اما این امام علی بن ابی طالب (ع) مثل بارز و اعلای الهی است که به تنهایی پیش می رود و کسی به گرد او نمی رسد.»<sup>۱۶</sup>

این قسمت را با ذکر مطلبی از علامه شهرستانی در مقاله «در پیرامون نهج البلاغه» به پایان می بریم نامبرده می نویسد:

«در سال ۱۳۲۸ هجری «نرسی سیان» «رئیس من» رئیس منشیان کنسولگری انگلیس در بغداد، که مردی فاضل بود در ضمن گفتگو با من از نهج البلاغه سخن به میان آورد و ... گفت: نهج البلاغه بر هر سخن عربی برتری دارد ... وی سپس گفت: «اگر این گوینده با عظمت امروز بر منبر کوفه قرار می گرفت شما مسلمانان می دیدید که مسجد کوفه با همه وسعت خود از اجتماع مردم مغرب زمین برای استفاده از دریای خروشان دانش علی (ع) موج می زد!»<sup>۱۷</sup>

### ابعاد گوناگون نهج البلاغه

از جمله ویژگیهای ممتاز نهج البلاغه جامعیت آن است این ویژگی اعجاب همه بزرگان را در طول تاریخ برانگیخته است نگاهی به موضوعات نهج البلاغه نشان می دهد که این کتاب صرفاً به یک موضوع نپرداخته است بلکه کتابی است فراهم آمده از مباحث مختلف و گوناگون. خواننده نهج البلاغه در یک قسمت خود را در مقابل

شخصیتی می یابد که با عالیترین روح نیایش در محراب عبادت چنان مشغول راز و نیاز با خدای خویش است که از خود هیچ نمی شناسد و در فرازی دیگر خود را در مقابل شخصیتی می نگرد که در میدان جنگ بی هیچ محابا به نبردی سخت مشغول است و شمشیرش هرگز خطا نمی کند! و زمانی دیگر خود را در حوزه درسی حکیمی عارف می یابد که گوهرهای حکمت و عرفان و مباحث سنگین توحید و معاد را تبیین می نماید و گاه خود را در محضر سیاستمداری عادل می یابد که حقوق متقابل مردم و حکومت و آیین مدیریت جامعه را در گفتار و عمل می آموزد و زمانی خود را در محضر قاضی حاکمی می یابد که به امر قضاوت مشغول است. از سید رضی مؤلف نهج البلاغه تا محمد عبده مفتی مصر و شارح اخیر نهج البلاغه - و همه کسانی که با این کتاب آشنایی دارند - جملگی از این ویژگی متحیر و مبهورند.<sup>۱۸</sup>

حقیقت آن است که رمز و راز چند بعدی بودن نهج البلاغه به جامعیت و جود علی (ع) بر می گردد. روح علی (ع) از چنان علو و سعاهای برخوردار بود که همه مراتب هستی و جامعه و تاریخ را فرا می گرفت. او در علو مقام و رتبه و جود مصاحب پیامبر اسلام است که تا مقام «قاب توسین او ادنی» بالا رفت و همه مراتب هستی از ملائکه مقرب تا نازلترین مراتب آن بسان خادمان آن مقام ولایت و بلکه اندام آن روح اند.

ابن ابی الحدید از این جهت (جامعیت علی (ع)) شگفت زده است و می گوید:

اگر گفته شود جهاد و جنگ، او سید مجاهدین و جنگجویان است و اگر گفته شود وعظ و تذکر، او سرآمدترین واعظ و مذكر است و اگر گفته شود فقه و تفسیر، او رئیس فقها و مفسرین است و اگر گفته شود عدل و توحید او امام اهل عدل و موحدین است!<sup>۱۹</sup>

آنگاه شعر ابو نواس را آورده است که:

لیس علی الله بمستنکر ان یجمع العالم فی واحد  
برای حق تعالی، دور و ناممکن نیست که همه هستی را در یک انسان فراهم آورد!

هم او در ذیل نامه امام به عبدالله ابن عباس بیانی دارد که ترجمه شیوای آن را از سیری در نهج البلاغه شهید مطهری می آوریم:

«سبحان الله! جوانی از عرب در شهری مانند مکه بزرگ می شود، با هیچ حکیمی برخورد نکرده است اما سخنانش در حکمت نظری بالا دست سخنان افلاطون و ارسطو قرار گرفته است با اهل حکمت عملی معاشرت نکرده است اما از سقراط بالاتر رفته است میان شجاعان و دلاوران تربیت نشده، زیرا مردم مکه تاجر پیشه بودند نه اهل جنگ، اما شجاعترین بشری از کار در آمد که بر روی زمین راه رفته است.

### دامنه تأثیر نهج البلاغه

کلام علی (ع) که به حق به «برادر قرآن» نامبردار است همچون قرآن کریم در دل های مستعد و آماده تأثیری نافذ و عمیق داشته و دارد.

صرف نظر از فصاحت و بلاغت و جامعیت نهج البلاغه که عجز همگان را موجب شده، این کلام گاه آنچنان تأثیری در جانهای مهیا و آماده دارد که چه بسا مخاطب، از شدت هیبت و عظمت آن، قالب تهی کند!

شریف رضی در ذیل خطبه ۲۸ نهج البلاغه که علی (ع) در آن از دنیا و آخرت سخن می گوید، آورده است: «اگر سخنی باشد که مردم را به زهد و آخرت فرا خواند همین سخن است و درباره آن همین بس که دلها را چنان از آرزوها بر کند که روشن شوند و پند گیرند.»

هم او در ذیل خطبه ۸۳ که از خطبه های «عجیب» نهج البلاغه است و در آن درباره مرگ و عبرت آدمیان سخن رفته است می گوید:

«در خیر است که وقتی علی علیه السلام این خطبه را خواند بدنها از شنیدن آن لرزید و اشکها از دیده ها بارید و دلها از بیم تبید...» از نوف بکالی روایت شده است که امیرالمؤمنین (ع) خطبه ۱۸۲ نهج البلاغه را در کوفه بر ما خواند در حالیکه بر سنگی ایستاده بود و جامه ای پشمین بر تن داشت و حضرت در این خطبه پس از حمد و ثنای الهی و اندرز مردم، خاطره همراهانش را که در جهاد صفین به شهادت رسیده بودند به یاد آورده و با دلی پر از اندوه و سینه ای مشتاق به شهادت فرمود:

«کجایند برادران من که راه حق را سپردند و با حق، رخت به خانه آخرت بردند؟ کجاست عمار؟ کجاست پسر تیهان؟ او کجاست ذوالشهادتین؟! و کجایند همانندان ایشان از برادرانشان که با یکدیگر به مرگ پیمان بستند و سرهای آنان را به فاجران هدیه کردند.»

سپس حضرت دست بر محاسن شریف خود گرفت و زمانی دراز گریست و سپس فرمود: «دریغاً از برادرانم که قرآن خواندند... و به جهاد فرا خوانده شدند و پذیرفتند...»

سپس به بانگ بلند گفت: «جهاد! جهاد! بندگان خدا! من همین امروز لشکر آماده می کنم. کسی که می خواهد به سوی خدا بیرون شود!»

تأثیر این سخنان چنان بود که نوف گوید: برای حسین (ع) ده هزار سپاه و برای قیس ابن سعد ده هزار سپاه و برای ابویوب ده هزار سپاه قرارداد و برای دیگران هم کم و بیش، و آماده بازگشت به صفین شد و جمعه نیامده بود که ابن ملجم ملعون او را ضربت زد و لشگریان بازگشتند و ما چون گوسفندانی بودیم که شبان خود را از دست داده، گرگها از هر سو برای آنان دهان گشاده.<sup>۲۰</sup>

سید رضی در ذیل خطبه ۱۵۰ که در آن علی علیه السلام در پاسخ فردی که از او تقاضای اندرز کرده بود، نصایحی ایراد

فرموده می گوید:

«اگر از این کتاب جز همین سخن نبود برای موعظه به جا و حکمت رسا و بصیرت بصیر و عبرت ناظر اندیشمند کافی بود» از جمله تأثیرهای شگرف کلام علی (ع) در خطبه همام<sup>۲۱</sup> جلوه کرده است. همام مردی عابد بود که از علی علیه السلام مصرانه می خواست تا حضرت اوصاف پرهیزکاران را برایش باز گوید درنگ حضرت و قرائت آیه ای از قرآن<sup>۲۲</sup>، روح تشنه او را سیراب نکرد. از اینرو بر اصرار خود افزود.

آنگاه حضرت در مقام توصیف پارسایان آغاز به سخن کرد و صفات آنان را در همه ابعاد زندگی، برشمرد. آتشفشان حکمت و معرفت و زهد و تقوی فوران می کرد. همام که هتر یک از سلولهای بدنش، گوشی شنو برای کلام علی (ع) شده بود لحظه به لحظه و بیش از پیش، طاقت از کف می داد تا بدانجا که ناگهان فریادی بر کشید! فریادی که جانش در آن بود!! آری او جان به جان آفرین تسلیم کرده بود.

آنگاه حضرت فرمود: «به خدا از همین بر او می ترسیم ...» بی شک تأثیر کلام علی (ع) منحصر به زمان خودش نبوده است هر کس به قدر استعداد و لیاقتش از فیض این باران رحمت بهره می برد و تأثیر می پذیرد.

ابن ابی الحدید در ذیل خطبه ۲۲۱ نهج البلاغه (۲۱۶) نهج البلاغه ابن ابی الحدید) که حضرت آنرا پس از قرائت «الهیکم التکائر حتی زرت المقابر» ایراد فرمود و در آن موعظه را به اوج خود رسانید می گوید:<sup>۲۳</sup>

«قسم به کسی که امت ها همه - به او سوگند می خورند! این خطبه را از پنجاه سال پیش تا کنون بیش از هزار بار خوانده ام! و نخوانده ام آن را مگر آنکه در هر بار همه وجودم را بیم و خوف و پند فرا گرفت و قلبم را به تپش افکند و اعضا و جوارح را لرزاند! و در هر تأملی که در خطبه می کردم به یاد خویشان و دوستان از دست رفته می افتادم و احساس می کردم که من همان کسی هستم که علی (ع) وصف حال او را می کند.»<sup>۲۴</sup>

## موضوعات نهج البلاغه

از آنچه گفته شد معلوم می گردد که نهج البلاغه حاوی موضوعات گوناگونی است و اگر بخواهیم همه آن مطالب را در یک تقسیم فراگیر قرار دهیم باید بگویم نهج البلاغه حاوی مباحثی پیرامون خدا، جهان، انسان، جامعه، تاریخ و نسبت ها و روابط هر یک از این امور با یکدیگر است.

نیز هر یک از این موضوعات خود شایسته تقسیم به امور جزئی تر می باشد به عنوان مثال موضوع «خدا»، قابل تقسیم به مباحثی از قبیل «اثبات خدا»، «توحید»، «صفات الهی»، «فضل الهی» و «نسبت حق تعالی با آفرینش، انسان و ...» می باشد همچنین می توان همین گونه تقسیمات را درباره موضوعات دیگر نهج البلاغه انجام داد. از همین جا به وسعت و گستردگی مباحث نهج البلاغه و نیز ضرورت بررسی عالمانه هر یک از این

قسمت ها توسط صاحب نظران هر رشته از عرفا و فیلسوفان و فقیهان گرفته تا حقوقدانان و سیاستمداران و جامعه شناسان و مورخان و روانشناسان و دانایان علوم ادبی و بلاغی می بریم. نگارنده امیدوار است که در شماره های آینده موضوعات نهج البلاغه را به گونه ای شایسته تر و بهتر به بررسی بنشیند.

زیر نویسها:

۱- نهج البلاغه و گردآورنده آن (مجموعه مقالات) مقاله: سید رضی مؤلف نهج البلاغه، علی دوانی، ص ۱۱۴

۲- شرح نهج البلاغه ابن ابی الحدید، ج ۱، ص ۲۴، (به تحقیق محمد ابوالفضل ابراهیم)

۳- همان

۴- همان

۵- نهج البلاغه و گردآورنده آن - (مجموعه مقالات بنیاد نهج البلاغه) مقاله با نهج البلاغه آشنا شویم از هیئت تحریریه، ص ۱۶۹

۶- ترجمه از شهید مطهری در سیری از نهج البلاغه، ص ۲۲ انتشارات جامعه مدرسین

۷- سیری در نهج البلاغه شهید مطهری ص ۱۹ و ۲۰ انتشارات صدرا

۸- شرح نهج البلاغه ابن ابی الحدید، ج ۱، ص ۲۴

۹- مقدمه سید رضی (ره) بر نهج البلاغه یا ترجمه دکتر شهیدی

۱۰- جناس یا تجنیس در اصطلاح فن بدیع: آوردن دو کلمه که در لفظ شبیه و همجنس اند ولی در معنی مختلف اند. ترصیع: در اصطلاح فن بدیع آن است که دو مصراع یا دو جمله ای بیاورند که وزن و سجع کلماتش مطابق هم باشد مانند:

هوا شد تیره و گریبان بسان دیده واقم

زمین شد تازه و خندان بسان چهره عذرا  
قلب و عکس: یعنی وارونه کردن و برگرداندن چیز یا مطلبی و در اصطلاح فن بدیع: لفظ مقدم را مؤخر و مؤخر را مقدم ذکر کردن مثل «خداوند زنده را از مرده بیرون می آورد و مرده را از زنده، در جمله اول «زنده» بر «مرده» مقدم ذکر شده و در جمله دوم برعکس.

۱۱- نهج البلاغه و گردآورنده آن (مجموعه مقالات)، مقاله: با نهج البلاغه آشنا شویم، از هیئت تحریریه بنیاد نهج البلاغه، ص ۱۶۸

۱۲- لَقَدْ قَتَلْتَ كَهْلِيَّ وَ آيَاتِ أَهْلِي وَ اجْتَنَنْتَ أَصْلِي. فَنَآن يَشْفُوكَ هَذَا فَعَدُّ اسْتَشْفِيَّتْ.

۱۳- مقدمه دکتر شهیدی بر ترجمه نهج البلاغه

۱۴- کلمات قصار شماره ۱۴۷

۱۵- شرح نهج البلاغه ابن ابی الحدید به کوشش محمد ابوالفضل ابراهیم، ج ۱، ص ۱۷

۱۶- علی (ع) و فلسفه الهی - علامه طباطبایی ترجمه سید ابراهیم سید علوی، ص ۲۷ و ۲۸

۱۷- نهج البلاغه و گردآورنده آن (مجموعه مقالات)، مقاله در پیرامون نهج البلاغه ص ۲۸۷

۱۸- رک به مقدمه سید رضی و محمد عبده بر نهج البلاغه

۱۹- شرح نهج البلاغه ابن ابی الحدید به تحقیق محمد ابوالفضل ابراهیم، ج ۱، ص ۲۰۳

۲۰- نهج البلاغه خ ۱۸۲ با ترجمه دکتر شهیدی

۲۱- نهج البلاغه خ ۱۹۳

۲۲- ان الله مع الذين اتقوا و الذين هم محسنون، نحل/ ۱۲۸

۲۳- تکائر/ ۱ و ۲

۲۴- شرح نهج البلاغه ابن ابی الحدید، ج ۱۱ ص ۱۵۳ (برای بررسی تأثیر شگرف علی (ع) بر نفوس و جانهای مستعد می توان به آثار خصوصاً منظوم شاعران از قبیل مولوی و ... و اخیراً شهریار مراجعه کرد.